

عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی
(مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار (۱۸ تا ۲۴) ساله شهر دزفول)

امیرمسعود امیر مظاهری^۱

زینب منجزی پور^۲

تاریخ وصول: ۹۴/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۰۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی جوانان ۱۸ تا ۲۴ سال و والدین شان در شهر دزفول انجام شده است. در این پژوهش، آنچه مورد توجه است، ضرورت اهمیت دادن به پدیده شکاف نسلی میان جوانان و والدین آنان است. چارچوب نظری با استفاده از نظریه‌های نظریه پردازانی هم چون مانهایم، دورکیم، اینگلههارت، مارگارت مید، جانسون، گیدنز، مک لوهان، جاکوبسن و والسون ارایه شد. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است و گردآوری اطلاعات از طریق تکنیک پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل ۵۹۴۱ نفر از جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله شهر دزفول به همراه والدین شان است که از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۶۰ نفر به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشانگر این است که شکاف بین نسلی (متغیر وابسته) با متغیرهای مدرنیزاسیون، افزایش فردگرایی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، وضعیت شغلی مادر و میزان درآمد ماهیانه خانواده، دارای رابطه معنی داری است.

واژگان کلیدی: شکاف نسلی، مدرنیزاسیون، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، رسانه‌های جمعی.

۱. استادیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی am-amirmazaheri@yahoo.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی zeinab.monjezi@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

دهه گذشته تغییرات اقتصادی، فن‌آوری و اجتماعی-سیاسی، فرهنگ جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم، دگرگون ساخته است. اعتقادات مذهبی، نگرش مردم پیرامون طلاق، ازدواج، سقط-جنین و اهمیتی که به تشکیل خانواده می‌دهند، همه دگرگون شده و به طور کلی، خواست مردم از زندگی تغییر کرده است. تغییر و تحولات شهرنشینی، صنعتی‌شدن و ...، به طور کلی منجر به پیدایش تغییر بین‌نسلی شده است.

شکاف بین‌نسلی از تمایزهای قطبی و شدید بین‌نسلی حکایت دارد که صورت بیرونی آن می‌تواند شکل تعارض و کشمکش نسلی پیدا کند، بخشی از این تمایزها و اختلاف‌نظرها به توقعات دو طرف باز می‌گردد.

با ورود وسایل و تکنولوژی‌های جدید به عرصه جامعه، شاهد این هستیم که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یک‌دیگر می‌نشینند، بدون آن که حرفی برای گفتن داشته باشند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گرائیده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیسته مختلف، زندگی را از دیدگاه خود نگریسته و مطابق با بینش خود آن را تفسیر می‌کنند. نسل دیروز (والدین) احساس دانایی و با تجربگی می‌کند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفت‌های روز است، در برابر آن‌ها واکنش نشان می‌دهد و چون از پس منطق و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه آن‌ها بر نمی‌آید به لجبازی روی می‌آورد (دانایی، ۱۳۸۴: ۸).

در چنین شرایطی است که بحران هویت یا بی‌هویتی در جامعه برای جوانان به وجود می‌آید که خود می‌تواند زمینه آشفتگی اجتماعی و در صورت حاد آن، زمینه بحران اجتماعی را در جامعه فراهم کند (موسوی چلک، ۱۳۸۸: ۹۸).

از سوی دیگر برای شناخت و درک صحیح جامعه ایران باید تغییر و تحول خانواده‌های ایرانی را مطالعه نمود و برای فهم و تحلیل درست آسیب‌های موجود در جامعه ایران، نیازمند بررسی مسأله شکاف نسلی بین والدین به عنوان نسل دیروز و فرزندان به عنوان نسل امروز به عنوان یکی از مهم‌ترین مسایل در حوزه آسیب‌شناسی خانواده هستیم (زمانیان، ۱۳۸۷: ۱۰).

در جامعه دیروز شهر دزفول که جامعه‌ای سنتی بود، فرزند تابع کامل والدینش بود و دستورهای آن‌ها را بی‌چون و چرا اطاعت می‌کرد و حق اعتراض نداشت. اما امروزه هرچه زمان پیش می‌رود فرزندان نسبت به نظرات و عقاید و افکار والدین‌شان بی‌اعتنا تر شده و آنان را کم‌اطلاع و گاه بی‌اطلاع از دانش روز می‌پندارد و از آن‌جا که چنین رفتاری برای والدین قابل قبول نیست، در برابر آن واکنش نشان می‌دهند و همین عمل باعث می‌شود ارتباطات عاطفی و صمیمانه میان دو نسل از بین برود. از سوی دیگر جوانان امروز شهر دزفول به دلیل اجتماعی‌شدن متفاوت و دگرگونی جامعه، خواهان آن اند که به سبک امروز زندگی کنند و از این که والدین آداب و رسوم و ارزش‌های خاص خود را در خانه اعمال می‌کنند، احساس

عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی

(مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار (۱۸ تا ۲۴) ساله شهر دزفول)

رضایت نمی‌کنند. چنین است که هرکس طبق نگرش و دیدگاه خود عمل کرده و دو نسل را با مشکلات متعددی در برخورد با یکدیگر مواجه می‌کند.

مسئله شکاف نسلی مورد توجه بسیاری از محققان بوده و پژوهش‌هایی نیز در داخل و خارج از کشور در این حوزه انجام گرفته است. در زیر به تعدادی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

هاروی و فری‌مان (۲۰۰۷) پژوهشی با عنوان «شکاف نسلی، نگرش‌های دانش‌آموزان و والدین‌شان» در آمریکا انجام داده‌اند که در آن ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و والدین‌شان را در زمینه‌های آشوب، مواد مخدر، ازدواج، کار و رفتار جنسی مقایسه کرده‌اند و محققان، در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که شکاف نسلی در این زمینه‌ها بین والدین و فرزندان‌شان وجود دارد.

برودی و همکاران (۱۹۹۴) تحلیلی طولی از داده‌های پیمایش ملی کودکان در آمریکا مربوط به مقاطع زمانی ۱۹۸۱ و ۱۹۸۷ انجام داده‌اند. نمونه آن‌ها شامل ۵۹۲ خانواده که در هر دو پیمایش شرکت داشته‌اند، بوده است. نتایج تحلیل‌ها نشان داد، نوجوانانی که به صورت فعال در تصمیم‌گیری‌های خانواده شرکت داده شده‌اند و روابط آن‌ها با پدران‌شان صمیمی‌تر بوده است (بر اساس داده‌های ۱۹۸۱)، در پیمایش شش سال بعد، نگرش‌های آن‌ها با پدران‌شان، شباهت بیشتری داشت.

آدام‌ویلیام شایبرو (۱۹۹۸) تحقیقی در دانشگاه فلوریدای شمالی در مورد روابط والدین و فرزندان انجام داد. به نظر او تعدادی از مدارک و شواهد وجود دارد مبنی بر این که والدین و فرزندان به شیوه‌ای متفاوت، روابط‌شان را با یکدیگر مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

این تحقیق تحت عنوان پیمایش ملی خانواده‌ها در بین ۲۹۵۰ نفر اجرا گردید.

اهداف عمده تحقیق

اولی عبارت است از: بررسی همبستگی بین نسلی بین والدین و فرزندان.

دومی عبارت است از: بررسی الگوهای ساختار اجتماعی تعیین علل و عوامل مرتبط با این همبستگی.

یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهد که میزان زیادی از توافق نداشتن و اختلاف میان والدین و فرزندان وجود دارد. قوی‌ترین و پایدارترین متغیرهای تأثیرگذار بر این مسئله عبارت است از سن، جنسیت، وضعیت تأهل و مجاورت مسکونی.

کوهن و همکاران (۱۹۸۶) در تحقیقی بین فرهنگی به بررسی تأثیر قشربندی اجتماعی بر انتقال بین نسلی ارزش‌ها پرداخته‌اند. آن‌ها به طور خاص به بررسی تأثیر موقعیت خانواده در قشربندی اجتماعی و نوع شغل والدین بر میزان اهمیت خودجهت‌دهی (به عنوان یک ارزش) از نظر والدین و فرزندان بوده‌اند. این بررسی به صورت بین فرهنگی و در آمریکا و هلند به طور هم‌زمان اجرا شد. جامعه آماری این تحقیق واحدهای نسلی (پدر-فرزندان) بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی و به‌طور خاص نوع شغل والدین (بر اساس میزان فرصت استفاده از خلاقیت و خودجهت‌دهی در انجام

کارها) ارتباط منفی قوی با میزان اهمیت خودجهت دهی از نظر والدین دارد و به طور غیرمستقیم و از طریق والدین باعث هم‌خوانی و انتقال ارزش خودجهت‌دهی به فرزندان (نوجوانان و جوانان) می‌شود. علی احمد الفتی (۵-۱۳۸۴) پژوهشی تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی (ازدواج) بین دو نسل جوانان و والدین شهر گیلان غرب» را انجام داده است. به همین منظور محقق از بین جوانان سنین ۲۵-۲۰ سال و والدین سنین ۶۰-۴۰ سال گیلان غرب ۲۴۰ نفر را به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب کرد.

روش پژوهش، روش پیمایشی از نوع توصیفی-تبیینی است. به منظور گردآوری اطلاعات نیز از پرسش‌نامه استفاده شد. نتایج این تحقیق نشان داد بین نگرش در مورد سن ازدواج پسران در بین دو نسل تفاوت معنی وجود دارد.

معدنی پور (۱۳۸۴) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «پندپذیری جوانان از والدین با تأثیر خانواده، دوستان و رسانه‌های ارتباط‌جمعی با هدف تعیین نقش خانواده، دوستان و وسایل ارتباط‌جمعی بر پذیرش پندهای والدین» به مسئله شکاف‌نسلی پرداخته است.

این پایان‌نامه، تأکید خاصی بر نقش خانواده به عنوان عامل مهم انسجام بین‌نسلی قایل است و به بررسی موانع و مشکلاتی که بر سر راه جامعه‌پذیری خانواده است، می‌پردازد. هم‌چنین محقق، ظهور و بروز عنان گسیخته فن‌آوری اطلاعات را مانع جدی در انجام وظیفه والدین در تعامل با فرزندان به شمار می‌آورد. جامعه آماری این تحقیق، دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان شهر تهران را شامل می‌شود.

منصور حقیقتیان و عباس غفاری (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی علل شکاف‌نسلی بین دانش‌آموزان متوسطه شهر لامرد استان فارس و والدین‌شان» به موضوع شکاف‌نسلی پرداخته‌اند. جامعه‌آماری تحقیق کلیه ۱۶۰۳ نفر از دانش‌آموزان متوسطه شهر لامرد بود که از بین آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۷۰ نفر به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب و اطلاعات مورد نیاز از آن‌ها به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که متغیرهای درک نکردن متقابل والدین و فرزندان، نظارت ارزشی والدین بر فرزندان، میزان دسترسی فرزندان به وسایل ارتباط‌جمعی، شرایط خاص جامعه، نوگرایی فرزندان، جهانی‌شدن و مدرنیته، سنت‌شکنی و افزایش سطح تحصیلات فرزندان ارتباط معناداری با میزان شکاف‌نسلی بین جوانان و والدین آن‌ها دارد. به لحاظ اهمیت و رتبه‌بندی، ارزش‌هایی وجود دارد. رتبه‌های بعدی برای پدران عبارت بود از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ولی برای مادران این رتبه‌ها عبارتند از: اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

هم‌چنین، نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نشان داد متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون جمعاً ۵۵/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

برای چارچوب‌نظری در این پژوهش از نظریه نظریه‌پردازانی هم‌چون دورکیم، زیمل، گیدنز، مارگارت مید، اینگلهارت، جانسون و مک‌لوهان استفاده می‌شود.

عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی

(مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار (۱۸ تا ۲۴) ساله شهر دزفول)

دورکیم ضمن اشاره به انتقال انسجام از مکانیکی به ارگانیکی، آثار آن را به صورت بروز بی‌هنجاری، اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزش‌های اجتماعی بررسی می‌کند. وی با نگاهی گذرا به تاریخ نشان داد که چگونه با گذار به جامعه ارگانیکی امکانات تازه‌ای برای آزادی پدید می‌آید، وجدان جمعی ضعیف می‌شود، فردیت افراد رشد می‌یابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزش‌ها شایع می‌گردد. هرچند که دورکیم مستقیماً به مسأله نسل و شکاف نسل‌ها اشاره نکرده، اما آن را در قالب تقسیم‌کار اجتماعی و آثاری که این پدیده بر روی جامعه و روابط انسانی گذاشته به صورت غیرمستقیم بررسی می‌کند (ریترز، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۲۹).

به عقیده زیمل، زمانی که عضویت در یک یا چند حلقه اجتماعی جای خود را به یک جایگاه اجتماعی در شبکه‌ای از حلقه‌های گوناگون اجتماعی دهد، شخصیت فرد دگرگون می‌شود. در این حالت شخصیت فرد از طریق اشتراک در حلقه‌های گوناگون، به شدت انشعاب پیدا می‌کند. (کوزر، ۱۳۸۷: ۲۶۵). نظریات زیمل را می‌توان تبیین‌کننده رشد فردگرایی در دنیای جدید دانست. فردگرایی رو به تزاید در نسل جدید، سبب به وجود آمدن اخلاقیات و ارزش‌هایی می‌شود که تمام عرصه‌های زندگی، از جمله ملاک‌ها و معیارهای انتخاب را برای نسل جوان متمایز از نسل گذشته می‌نماید. تحت تأثیر این فردگرایی گروه مرجع در نسل جوان نیز دارای تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل می‌شود.

اینگلهارت و آبراهامسون در نظریه تغییر ارزش بین نسل‌ها به افزایش سطح تحصیلات که خود یکی از مؤلفه‌های مدرنیزاسیون است، تأکید می‌کنند. هم‌چنین اینگلهارت یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکاف ارزش‌های نسل‌ها را جهانی شدن ارتباطات می‌داند. وی می‌گوید می‌بینیم که جوانان در سراسر جهان لباس‌های جین می‌پوشند و به موسیقی پاپ گوش می‌دهند، اما کمتر تفاوت‌های ارزشی آشکار است (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

مارگارت مید، ایجاد فاصله نسلی را نتیجه ایجاد تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی می‌داند که در دنیا اتفاق افتاده است و دنیا را وارد یک مرحله جدیدی از رشد و تحول نموده است. براساس این مطالعات، هرگاه در جامعه دگرگونی‌های سریع و وسیع اتفاق می‌افتد، سبب می‌شود که شرایط رشد و تربیت فرزندان بسیار متفاوت از شرایط قبلی یعنی والدین آن‌ها شود و در نتیجه یک فاصله نسلی به وجود آید. براساس نظریه جانسون متغیرهایی مانند تماس‌های فرهنگی، وسایل ارتباط جمعی و استفاده از آن‌ها، مسافرت و تحصیل افراد (در هر کدام از نسل‌ها) می‌تواند منجر به تغییر ارزش‌ها و در نهایت منجر به شکاف ارزشی با افرادی از نسل دیگر (به خصوص بزرگسالان) که ممکن است در چنین موقعیتی قرار نداشته باشند، شوند و در نهایت منجر به شکاف نسلی گردد.

گیدنز، تعریف خاصی از نسل ارائه داده است. وی نسل را هم‌چون هم‌دوره‌ای‌های اجتماعی که در طول زمان ترسیم شده‌اند، در نظر می‌گیرد (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۳۰). نظریه گیدنز درباره نسل حاکی از آن است که وی شکاف و تعارض بین نسلی را کاملاً رد می‌کند و بیش‌تر توجه خود را به تفاوت بین نسل‌ها

معطوف می‌کند. وی با وجود توجه به مفهوم نسل، دیدگاه نسلی نداشته و به تفاوت بین نسل‌ها به دید مثبت می‌نگرد. این بدان معناست که وی تفاوت میان نسل‌ها را یک امر طبیعی می‌داند که به دنبال تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری به وجود آمده در جامعه نمود پیدا می‌کند. وی حتی از این نیز پا فراتر گذاشته و دگرگونی‌های به‌وجود آمده در هنجارها و نگرش‌های نسل‌های جدید را نشانه تحول و اعتلای فرهنگی جامعه می‌داند.

جاکوبسون و بری‌والسون در یافته‌های تحقیقی خود ارتباطی میان فاصله پایگاه اجتماعی-اقتصادی با توافق نداشتن والدین - فرزندان یافته‌اند. این دو مدعی شده‌اند که شکاف نسلی موجود در خانواده‌های با خاستگاه طبقه کارگر و طبقه پایین بیش‌تر است. والدین طبقه پایین که فرزندان‌شان تحصیلات بالاتری نسبت به فرزندان با تحصیلات پایین هم‌طبقه‌شان دارند، شکاف نسلی بیشتری تجربه می‌کنند. از سوی دیگر والدین با سطح اقتصادی بالا که نسبت به دیگر پدران هم‌سطح خود سواد پایینی دارند، فاصله نسلی بیشتری با فرزندان‌شان دارند (نیازی و دیگری، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

مک‌لوهان در مطالعات طولانی که روی تحول تاریخی ارتباطات انجام داده بود به این نتیجه رسید که رسانه‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی، تأثیر قاطعی در تحولات تاریخی بشر داشته‌اند. وی مدعی است که تأثیر تلویزیون و تکنولوژی کامپیوتر، زدودن تفاوت‌های زمانی - مکانی و اعلام عصر تازه‌ای است که باید آن را «عصر جامعه جهانی» نامید. به عقیده مک‌لوهان هر فن‌آوری، بشر را به تدریج در فضای تازه‌ای قرار می‌دهد و هر فضای تازه، عاملی تعیین‌کننده در سرنوشت و زندگی بشر به شمار می‌رود (عالی، ۱۳۸۸: ۲۱۲). نظریه مک‌لوهان نشان می‌دهد که وی تأثیر رسانه‌ها را در تغییر و تحولات به‌وجودآمده در ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌طور کلی هنجارهای نسل جدید بسیار مؤثر می‌داند این نظریه پرداز علت اصلی تغییرات به وجود آمده در ارزش‌ها را تنها به رسانه‌ها تقلیل داده و عوامل دیگر را در به‌وجود آمدن این پدیده چندبعدی نادیده گرفته است. سؤال اصلی که در این پژوهش مطرح می‌شود، این است که چه عواملی باعث بروز شکاف بین دو نسل والدین و فرزندان می‌شود؟ آیا راه‌کارهایی برای مقابله با آن وجود دارد؟ و با هدف کلی «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی والدین و فرزندان ۱۸ تا ۲۴ سال در ۱۳۹۳» انجام شده است و اهداف اختصاصی این تحقیق به شرح زیر هستند:

بررسی تأثیر وسایل ارتباط جمعی در بروز شکاف نسلی

بررسی تأثیر مدرنیزاسیون در بروز شکاف نسلی

بررسی تأثیر فردگرایی جوانان امروز در بروز شکاف نسلی

بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده در بروز شکاف نسلی.

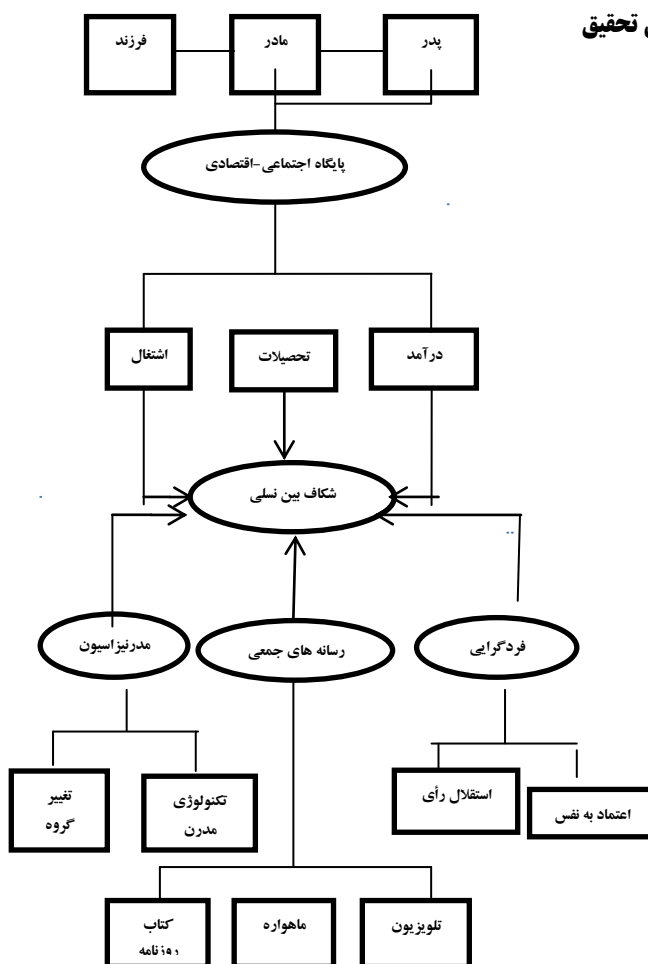
عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی

(مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار (۱۸ تا ۲۴) ساله شهر دزفول)

براساسی مدل تحلیل که در پایین آمده است، تحلیل فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

- فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین مدرنیزاسیون و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین فردگرایی جوانان و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین گسترش وسایل ارتباط جمعی و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مدل تحلیلی تحقیق



ابزار و روش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه جوانان ۱۸ تا ۲۴ سال شهر دزفول است که ۵۹۴۱ نفر گزارش شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای انجام این تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات به طور متوسط ۳۶۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردید. ابزاری که در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات انتخاب شده است، پرسش‌نامه حضوری است. جهت شناسایی اعتبار شاخص‌های پرسش‌نامه از اعتبار صوری استفاده شده است و پرسش‌نامه تهیه شده به تعدادی افراد متخصص داده شد و میزان توافق آن‌ها را به عنوان اعتبار پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. برای آزمون پایایی سؤال‌ها، از آلفای کرونباخ بهره بردیم. پرسش‌ها دارای پایایی لازم بودند. آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۹۱ درصد به دست آمد. بنابراین، گویه‌های طراحی شده شکاف‌نسلی دارای اعتماد (پایایی) لازم است.

یافته‌ها

یکی از متغیرهای اصلی در این پژوهش، میزان شکاف‌نسلی است که جدول (۱)، پاسخ‌دهندگان را از نظر وضعیت شکاف‌نسلی توصیف می‌کند.

جدول شماره (۱): فراوانی توصیف پاسخ‌دهندگان از نظر وضعیت شکاف نسلی (متغیر وابسته)

وضعیت شکاف نسلی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع
فراوانی	۴۹	۲۲۸	۴۹	۳۶	۱	۳۶۰
درصد فراوانی	%۱۳/۶	%۶۳/۳	%۱۲/۸	%۱۰/۰	%۰/۳	۱۰۰/۰

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، حدود ۱۳/۶ درصد (۴۹ نفر) از پاسخ‌دهندگان دارای شکاف نسلی خیلی زیاد و ۶۳/۳ درصد (۲۲۸ نفر) از پاسخ‌دهندگان دارای شکاف نسلی زیاد و ۱۲/۸ درصد (۴۶ نفر) دارای شکاف نسلی در حد متوسط و ۱۰ درصد (۳۶ نفر) از پاسخ‌دهندگان دارای شکاف نسلی کم و فقط حدود ۰/۳ درصد (۱ نفر) از پاسخ‌دهندگان دارای شکاف نسلی خیلی کم هستند.

یکی دیگر از متغیرهای اصلی در این پژوهش، میزان فردگرایی است. جدول (۲) پاسخ‌دهندگان را از نظر وضعیت فردگرایی توصیف می‌کند.

عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی

(مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار (۱۸ تا ۲۴) ساله شهر دزفول)

جدول شماره (۲): فراوانی توصیف پاسخ‌گویان از نظر وضعیت فردگرایی (متغیر مستقل)

وضعیت فردگرایی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع
فراوانی	۶۵	۲۱۰	۱۶	۰	۳۶۰	
درصد فراوانی	٪۱۸/۱	٪۵۸/۳	٪۴/۴	٪۰	٪۱۹/۲	٪۰
						۱۰۰/۰

همان‌طور که جدول (۲) نشان می‌دهد، حدود ۱۸/۱ درصد (۶۵ نفر) از پاسخ‌دهندگان، گرایش آن‌ها به فردگرایی خیلی زیاد و ۵۸/۱۳ درصد (۲۱۰ نفر) از پاسخ‌دهندگان دارای گرایش زیادی به فردگرایی و ۱۹/۲ درصد (۶۹ نفر) از پاسخ‌دهندگان گرایش متوسطی به فردگرایی و ۴/۴ درصد (۱۶ نفر) از پاسخ‌دهندگان دارای گرایش کم به فردگرایی و هیچ پاسخ‌دهنده‌ای وجود نداشت که گرایش به فردگرایی نداشته باشد.

یکی دیگر از متغیرهای اصلی در این پژوهش، وضعیت مدرنیزاسیون است که جدول (۳)، پاسخ‌دهندگان را از نظر وضعیت مدرنیزاسیون توصیف می‌کند.

جدول شماره (۳): فراوانی توصیف پاسخ‌دهندگان از نظر مدرنیزاسیون (متغیر مستقل)

وضعیت مدرنیزاسیون	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	مجموع
فراوانی	۵	۸۶	۲۴۱	۲۸	۰	۳۶۰
درصد فراوانی	٪۱/۴	٪۲۳/۹	٪۶۶/۹	٪۷/۸	٪۰	٪۰
						۱۰۰/۰

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، حدود ۱/۴ درصد (۵ نفر) از پاسخ‌دهندگان گرایش خیلی زیادی به مدرنیزاسیون و ۲۳/۹ درصد (۸۶ نفر) از پاسخ‌دهندگان گرایش زیادی به مدرنیزاسیون و ۶۶/۹ درصد (۲۴۱ نفر) از پاسخ‌دهندگان گرایش در حد متوسط به مدرنیزاسیون و ۷/۸ درصد (۲۸ نفر) گرایش کم به مدرنیزاسیون و هیچ یک از پاسخ‌دهندگان دارای گرایش خیلی کم به مدرنیزاسیون نبودند.

در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک‌طرفه، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است.

بنا به فرضیه اول، بین مدرنیزاسیون و شکاف نسلی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. امروزه سرعت تحولات و بسط ارتباطات با جهان توسعه‌یافته، توجه بیش‌تر جوانان به برنامه‌های جهانی‌شدن فرهنگ، رسانه‌ها، گسترش روزافزون انجمن‌ها و کانون‌هایی غیر از کانون خانواده افزایش

یافته است. بنابراین؛ از آنجایی که رفتار، تابعی از نگرش و ارزش‌گذاری‌های مثبت و منفی تلقی می‌شود، نگرش‌های افراد جامعه تحت تأثیر نوسازی تغییر پیدا کرده است. و همین امر باعث شده، نسل جدید نسبت به نسل پیشین در معرض تحولات تازه‌ای قرار بگیرند و منجر به شکاف نسلی شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۴)، سطح معنی‌داری به دست آمده برای متغیر مدرنیزاسیون، برابر صفر (۰/۰۰۰) و خیلی کمتر از آلفای ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان گفت که بین متغیر مستقل (مدرنیزاسیون) و متغیر وابسته (شکاف نسلی) ارتباط معنی‌داری وجود دارد و از آنجا که ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۳۴۵) مثبت است، این بدان معناست که ارتباط مستقیم بین دو متغیر وجود دارد؛ یعنی با احتمال ۹۵ درصد، می‌توان گفت که با افزایش مدرنیزاسیون، شکاف نسلی در خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۴): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر مدرنیزاسیون (متغیر مستقل) و شکاف نسلی (متغیر وابسته)

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	مجموع
۰/۳۴۵	۰/۰۰۰	۳۶۰

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و شکاف نسلی، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. این فرضیه در راستای نظریه‌های صاحب‌نظرانی مانند: جاکوبسن و بری‌والسن ارایه گردید. آن‌ها معتقد بودند که در بین خانواده‌های با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر، شکاف نسلی بیش‌تر است.

جدول‌های (۵ و ۶) نشان می‌دهد که در مقیاس وضعیت‌شغلی مادر و همچنین، میزان درآمد خانواده، سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است، که نشان‌دهنده این است که با احتمال ۹۵ درصد، میزان شکاف-نسلی در خانواده‌های با مادران شاغل و درآمد متفاوت، ارتباط معناداری وجود دارد. در صورتی که برای سایر مقیاس‌های اقتصادی-اجتماعی (تحصیلات پدر و مادر و یا شغل پدر) با شکاف نسلی تفاوت معنی-داری وجود ندارد؛ این فرضیه به طور کامل مورد تأیید قرار نگرفت.

جدول شماره (۵): تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه شکاف نسلی (متغیر وابسته) در مقیاس وضعیت‌شغلی مادر

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
وضعیت‌شغلی درون گروهی	۳/۷۴۹	۱	۳/۷۴۹	۰/۰۱۶
مادر بین گروهی	۲۰۹/۰۶۱	۳۲۹		۰/۹۰۱
			۰/۶۳۵	

عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی

(مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار (۱۸ تا ۲۴) ساله شهر دزفول)

جدول شماره (۶): تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه شکاف نسلی (متغیر وابسته) در مقیاس میزان درآمد خانواده

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
۱۱/۶۹۷	۴	۲/۹۲۴	۴/۷۳۹	۰/۰۰۱
۲۱۹/۰۷۲	۳۵۵	۰/۶۱۷		
درون گروهی				
بین گروهی				

فرضیه سوم، متغیر فردگرایی را مدنظر داشت، به این صورت که بین افزایش فردگرایی جوانان و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد.

این فرضیه، با توجه به نظریه‌های اندیشمندی مانند دورکیم و زیمل مطرح شده است. آن‌ها معتقداند که در جریان تکامل جامعه، از حالت سنتی به مدرن (با اصطلاحات خاص هر یک از این اندیشمندان)، فردگرایی، رشد می‌کند. به نظر دورکیم، این امر ناشی از تضعیف وجدان جمعی در جامعه مدرن و به نظر زیمل ناشی از وابستگی فرد به حلقه‌های متعدد، تغییر ارزش‌ها و تغییر گروه مرجع بوده که زمینه را برای رشد احساس تعلق نداشتن به خانواده آماده خواهد کرد، که می‌تواند منجر به شکاف نسلی شود. پژوهش حاضر نیز، این امر را مورد تأیید قرار می‌دهد.

جدول (۷) نشان می‌دهد که مقدار آلفای به‌دست‌آمده برای متغیر فردگرایی صفر (۰/۰۰۰) و کوچک‌تر از آلفای ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرضیه مطرح شده تأیید می‌شود و می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان فردگرایی و شکاف نسلی ارتباط معنی‌داری وجود دارد و چون در آزمون پیرسون، ضریب همبستگی (برابر با ۰/۷۴۶) است و علامت آن نیز مثبت است، بدان معناست که بین دو متغیر ارتباط مستقیم و بسیار قوی وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان فردگرایی در فرد، شکاف نسلی افزایش می‌یابد.

جدول شماره (۷): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر فردگرایی جوانان (متغیر مستقل) و شکاف نسلی (متغیر وابسته)

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	مجموع
۰/۷۴۶	۰/۰۰۰	۳۶۰

فرضیه چهارم، بین افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی و شکاف نسلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. این فرضیه، در راستای نظریه‌های اینگلههارت و به خصوص، جانسون مطرح شده است؛ که به‌طور کلی، می‌توان از این نظریه‌ها، این‌گونه استنباط کرد که هرچه میزان استفاده از رسانه‌ها توسط جوانان (به‌خصوص رسانه‌های خارجی) بیشتر باشد، شکاف نسلی بین آن‌ها و والدین بیشتر می‌شود. پژوهش حاضر نیز، این امر را مورد تأیید قرار می‌دهد.

جدول (۸) نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری متغیر وسایل ارتباط‌جمعی، برابر با صفر (۰/۰۰۰) و خیلی کم‌تر از مقدار آلفای ۰/۰۵ است، بنابراین، می‌توان بیان داشت که بین متغیر مستقل (استفاده از رسانه‌ها) و متغیر وابسته (شکاف‌نسلی) ارتباط معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، چون ضریب‌همبستگی بین دو متغیر (برابر با ۰/۶۱۵) و مثبت است، این بدان معناست که ارتباط مستقیم بین دو متغیر وجود دارد. یعنی با احتمال ۹۵ درصد، می‌توان گفت، با افزایش استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی، شکاف‌نسلی در خانواده‌ها نیز، افزایش یافته است.

جدول شماره (۸): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر وسایل ارتباط‌جمعی (متغیر مستقل) و شکاف‌نسلی (متغیر وابسته)

ضریب‌همبستگی پیرسون	سطح معناداری	مجموع
۰/۶۱۵	۰/۰۰۰	۳۱۰

با توجه به معنادار بودن رابطه خطی سه مورد از مؤلفه‌های کمی شکاف‌نسلی (مدرنیزاسیون، فردگرایی و گسترش وسایل ارتباط‌جمعی) با شکاف‌نسلی و همچنین با توجه به مقیاس‌های مختلف اقتصادی اجتماعی والدین (تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، وضعیت شغلی پدر و وضعیت شغلی مادر) به‌عنوان متغیرهای گسسته تأثیرگذار بر شکاف‌نسلی، به‌دنبال آن بودیم که یک رابطه رگرسیونی شامل مؤلفه‌های ذکر شده به‌عنوان متغیرهای مستقل یا پیش‌بینی‌کننده و خود شکاف‌نسلی به‌عنوان متغیر وابسته به‌دست آوریم. ابتدا برای به‌دست‌آوردن این معادله رگرسیونی از رگرسیون خطی استفاده گردید که نتایج آن نشان داد که معادله به دست‌آمده دارای هم‌خطی است. هم‌خطی، وضعیتی است که همواره نشان می‌دهد یک متغیر مستقل تابع خطی از سایر متغیرهای مستقل است. اگر هم‌خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد، بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و ممکن است با وجود بالا بودن ضریب‌تعیین (R Square) مدل دارای اعتبار بالایی نباشد.

در این‌گونه از مسایل پژوهشی، به‌ویژه آن‌هایی که هدف پیش‌بینی دارند، تعیین همبستگی بین متغیر وابسته و ترکیب متغیرهای پیش‌بینی‌کننده، که هر کدام از آن‌ها تا حدودی با این متغیر همبستگی دارند، دارای اهمیت زیادی است. روشی که از طریق آن متغیرهای پیش‌بینی‌کننده ترکیب می‌شوند، رگرسیون چندگانه است.

رگرسیون چندگانه برخلاف رگرسیون ساده که تنها با توجه به یک متغیر مستقل، تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند، با استفاده از ترکیب خطی چند متغیر مستقل به پیش‌گویی متغیر وابسته می‌پردازد. لازم به ذکر است برای ورود مقیاس‌های مختلف اقتصادی اجتماعی والدین (تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، وضعیت شغلی پدر و وضعیت شغلی مادر) به‌عنوان متغیرهای گسسته باید متغیرهای مجازی تعریف کرد. با توجه به نحوه تعریف متغیر مجازی برای متغیر تحصیلات پدر که در شش سطح است، پنج

عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی

(مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار (۱۸ تا ۲۴) ساله شهر دزفول)

متغیر مجازی (X1، X2، X3، X4 و X5)، برای متغیر تحصیلات مادر نیز که در شش سطح است، پنج متغیر مجازی (X6، X7، X8، X9 و X10) و برای متغیر وضعیت شغلی پدر که در چهار سطح است، سه متغیر مجازی (X11، X12 و X13) و برای متغیر وضعیت شغلی مادر که در دو سطح قرار دارد، یک متغیر مجازی (X14) در نظر گرفته شد. همچنین سه متغیر کمی دیگر نیز برای هر سه متغیر کمی مستقل این پژوهش در نظر گرفته شده است (متغیر X15 به عنوان متغیر مدنیزاسیون، X16 به عنوان متغیر فردگرایی و X17 نیز به عنوان وسایل ارتباط جمعی در نظر گرفته می شود).

جدول (۹) نتایج رگرسیونی رابطه بین مؤلفه های شکاف نسلی و مدل نهایی مورد پذیرش را نشان می دهد.

جدول شماره (۹): نتایج رگرسیونی رابطه بین مؤلفه های شکاف نسلی

ضرایب رگرسیونی		آزمون معنادار بودن ضرایب		آزمون معنادار بودن رگرسیون		مدل نهایی	
Beta	T	Sig	F	R	Rsquare	Beta	T
Constant	-۰/۸۲۴	-۳/۵۱۶	-۰/۰۰۰	۱۱۲/۸۲۰	-۰/۰۰۰	-۰/۶۷۶	-۰/۸۲۲
فردگرایی	-۰/۵۸۴	-۰/۶۶۱	۱۵/۱۷۳	-۰/۰۰۰			
وابتباط جمعی	-۰/۲۸۵	-۰/۳۲۳	۷/۴۸۰	-۰/۰۰۰			
X14	-۰/۱۱۹	-۰/۲۹۰	۳/۶۵۶	-۰/۰۰۰			
X11	-۰/۰۷۱	-۰/۲۱۷	-۲/۲۱۴	-۰/۰۲۸			
مدنیزاسیون	-۰/۰۸۹	-۰/۱۰۳	۲/۶۰۴	-۰/۰۱۰			
x2	-۰/۰۷۲	-۰/۱۱۶	۲/۲۱۸	-۰/۰۲۷			

جدول (۹) نشان می دهد که برای مدل رابطه رگرسیونی خروجی، مقدار سطح معناداری برای همه آماره های t، کمتر از ۰/۰۵ است که نشان می دهد، فرض صفر بودن ضرایب رگرسیون رد می شود. همچنین مقدار سطح معناداری مربوط به آماره F نیز برای مدل برابر صفر و کمتر از ۰/۰۵ است، پس فرض مورد تأیید بودن معادلات رگرسیونی پذیرفته می شود. همچنین مطابق با جدول فوق، ضریب همبستگی رگرسیونی بین مؤلفه های شکاف نسلی و شکاف بین نسلی برابر با ۰/۸۲۲ بوده که نشان دهنده همبستگی قوی بین دو متغیر است. در بررسی مدل حاصل شده، ضریب تعیین (R Square) نشان

می‌دهد که ۶۷/۶ درصد از شکاف نسلی توسط شش متغیر موجود در مدل نهایی تبیین گردیده است. به عبارت دیگر، قریب به ۶۸ درصد از واریانس‌های متغیر شکاف نسلی به وسیله متغیرهای داخل مدل تبیین می‌شود.

همان‌طور که جدول (۱۰) نتایج کلی فرآیند تحلیل مسیر را نشان می‌دهد، متغیر فردگرایی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، بیش‌ترین اثر را در شکاف نسلی ایجاد می‌کنند و در مرتبه بعدی نیز تأثیر مدرنیزاسیون و وضعیت شغلی مادر قرار دارند.

جدول شماره (۱۰) : نتایج کلی فرآیند تحلیل مسیر

متغیر مستقل	اثرات غیر مستقیم	اثرات مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم
وضعیت شغلی مادر	۰/۰۴۱	۰/۰۸۸	۰/۱۲۹
مدرنیزاسیون	۰/۱۷	۰/۰۹۸	۰/۱۳۸
وسایل ارتباط جمعی	۰/۲۶۶	۰/۲۹۴	۰/۵۶
فردگرایی	-	۰/۵۵۶	۰/۵۵۶

بحث و نتیجه گیری

در پایان، بایستی بیان داشت که، نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق با نظریاتی که در الگوی تحلیل نظری در مورد تأثیر متغیرهای مدرنیزاسیون، فردگرایی، رسانه‌های جمعی، وضعیت شغلی مادر و میزان درآمد خانواده بر متغیر شکاف نسلی آمده است (در شهر دزفول)، مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

بنابراین، با توجه به این‌که شهر دزفول، دارای جامعه‌ای سنتی و مذهبی است، این انتظار وجود داشت که مسأله شکاف نسلی به صورت گسترده وجود نداشته‌باشد، اما آن‌چنان‌که از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری تحقیق به‌دست آمد، تأثیر رسانه‌های جمعی، به‌خصوص تلویزیون و رسانه‌های جدیدی مانند ماهواره، اینترنت و ... که همراه با نوسازی جوامع به هر خانه‌ای راه یافته‌اند و به تبع آن افزایش دانش جوانان و آگاهی‌های آن‌ها و همچنین تمایل جوانان برای ورود به حلقه‌های اجتماعی غیر از خانواده که بروز پدیده فردگرایی را سبب شده است، تأثیر این متغیرها بر جوانان به اندازه‌ای است که بروز شکاف بین نسلی میان آن‌ها و خانواده‌های‌شان را کاملاً مورد تأیید قرار داد.

بنابراین، با توجه به ارتباط شکاف نسلی و مسایل آسیب‌شناسی خانواده، صاحب‌نظران، کارشناسان و نهادهای مختلف را به چاره‌اندیشی برای کاهش این مسأله می‌طلبند. هر چند که در نگاه محقق، آن‌چنان‌که نظریه پرداز معاصر، آنتونی گیدنز بیان می‌کند، شکاف نسل‌ها یک امر طبیعی است که به دنبال تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری به‌وجود می‌آید، که در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی

(مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار (۱۸ تا ۲۴) ساله شهر دزفول)

جامعه ایران، طی دهه‌های اخیر با تحولات و چالش‌های گوناگونی مواجه بوده‌است. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها، عبارت‌اند از: تحولات مربوط به دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن و مسایل مربوط به تعارضات و ناسازگاری‌های بین ارزش‌های سنتی و مدرن، مواجه شدن با انقلاب و پس از آن، جنگی هشت ساله با تحولات فرهنگی و تغییرات ارزشی ناشی از آن‌ها و ...

تمامی این موارد، وقوع شکاف نسل‌ها را به امری گریزناپذیر، تبدیل نموده است و آنچه این‌جا ضروری به نظر می‌رسد، شیوه برخورد با این مسأله و چاره‌اندیشی و پیدا کردن راه‌حلی برای آن، جهت جلوگیری از تبدیل شکاف نسل‌ها به تعارض بین نسل‌هاست. بنابراین؛ با درک این واقعیت، که لزوماً تمامی ارزش‌های مربوط به نسل گذشته، درست، کارا و تمامی ارزش‌های مربوط به نسل جوان، نادرست و غیر اخلاقی نیستند، توجه به موارد زیر جهت برخورد با مسأله ضروری به نظر می‌رسد.

بهتر است، والدین تا جایی که می‌توانند با افزایش دانستنی‌ها و آگاهی‌های عمومی خود، وارد شدن به انجمن و کانون‌هایی غیر از خانواده بتوانند نوعی درک متقابل از نسل جدید با هم‌دلی و هم‌گرایی پیدا کنند؛ یعنی جوانان و والدین‌شان، با همراهی و گفت‌وگوی بین‌نسلی و همچنین اصلاح‌طلبی والدین، از شکاف بین نسل‌ها جلوگیری کنند.

از سوی دیگر، با توجه به این که، یکی دیگر از دلایل شکاف نسلی در پژوهش حاضر، رشد میزان فردگرایی است، بایستی، سعی شود، روحیه جمع‌گرایی به وسیله مسؤولان فرهنگی و آموزشی و مدیریتی از طریق سازوکارهای مناسب جهت برقرار کردن پیوند نزدیک‌تر و مناسب‌تر بین فرد و جامعه در بین جوانان، تقویت گردد؛ چرا که در غیر این صورت، گسترش فردگرایی به رشد بیش‌تر شکاف بین‌نسلی کمک خواهد کرد.

از طرفی چون یکی از عوامل مؤثر و زیربنایی بر ایجاد مسأله‌ی شکاف نسلی در این پژوهش، گسترش استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی است و حتی بر ایجاد هویت و چگونگی انتخاب الگوی مرجع جوانان تأثیر اساسی داشته‌است و به طور کلی، نقش اساسی در فرآیند جامعه‌پذیری ایفا می‌کنند، توجه بنیادی به برنامه‌های رسانه‌های جمعی و مسأله‌ی تضاد ارزش‌ها در آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

- ۱- احمد الفتی، ع. (۱۳۸۴). بررسی جامعه‌شناسی تفاوت نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی (ازدواج) بین دو نسل جوانان و والدین شهر گیلان غرب. فصلنامه مطالعات جوانان. شماره ۱۰ و ۱۱.
- ۲- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۳). رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی. مسایل اجتماعی ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران. صص ۵۸۹-۵۶۸. ناشر: انجمن جامعه‌شناسی ایران.

۳-حقیقتیان، م؛ و دیگری. (۱۳۸۹). بررسی علل شکاف نسل‌ها در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر لامرد. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. سال چهارم. پیش شماره هفتم.

۴-دانایی، ن. (۱۳۸۴). تفاوت نسل دیروز و نسل امروز. روزنامه همشهری. شماره ۳۷۳۲.

۵-ریتزر، ج. (۱۳۹۳). نظریه جامعه‌شناسی. ترجمه: ه نایی. تهران: نشر نی.

۶-زمانیان، ع. (۱۳۸۷). تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. چاپ اول.

۷-کوزر، ل. (۱۳۸۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه: م ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

۸-معدنی پور، ع. (۱۳۸۴). پندپذیری جوانان از والدین با تأثیر خانواده، دوستان، رسانه‌های ارتباط جمعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی.

۹- معیدفر، س. (۱۳۸۳). شکاف نسل یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران). نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۴، صص ۸۰-۵۵.

۱۰-موسوی چلک، ح. (۱۳۸۸). آسیب‌های اجتماعی، نظم و امنیت عمومی؛ کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی. به اهتمام گروه پژوهشی مطالعات جوانان و مناسبات نسلی تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۱۱-نیازی، م؛ و دیگری. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی پدیده شکاف نسل‌ها و علل و عوامل آن. مجله سیاست داخلی. شماره ۲.

12-Harvy, r.freeman. (2007). the generation gap closing,the university of chicago chronicle. Now .2. /vol. 2. no 4, published reports in : www.unchicago.edu.

13-Brody, G.H.(1999). Family processes during adolescence as predictors of family relations. vol.,36 : pp.369-373.

14-Kohn, m. & et al (1986). social stratification and transmission of values in the family : A cross-national assessment,sociological forum.vol.1: pp.73-102.

15-Shapiro.adam(1998). revisiting generational gap : correlates of adult child-older parent,discrepancies in their reports of intergenerational solidarity.international journal of aging & human development.pp.1-24 .